

نویسد

(وابسته به حزب توده ایران)

شماره ۵ - بهمن ۱۳۵۵

رژیم عقب می نشیند؟

و غارتگری بی حساب و لجام کسب شده
غارترا آماده یک عقب نشینی حساب شده
تا کنگی شده است. آزادی گروه قابل
توجهی از زندانیان سیاسی که پاره‌های
از آن‌ها به حبس ابد محکوم شده بودند
(نظیر محمود باطحاوی عضو گروه فلسطین)
شایسته رویه قوت آزادی بسیاری دیگر از
بقیه در صفحه ۲

جلال و ناموسی کند که می خوانند
گه تو این مبلغ راه پرواز را آورد
رژیمی که تا آرنج پیش به خون
شریف ترین و حق جو ترین فرزندان
این سرزمین گشته است زمین را ز سر
پای خود لرزان می بیند و پیر زمان
خود کامگی و کشتار و تهور و خوشیانه و

در این شماره :

- ۱- رژیم عقب می نشیند ؟
- ۲- درباره اعتصاب
- ۳- روز شهیدان حزب و نهضت
- ۴- گل سوزنی که همیشه شکرگان است
- ۵- شمر بی نام (شمر و ازلسوزی)
- ۶- خبرها

به مناسبت ۴ بهمن روز شهدا و دکتر تقی ارانی

روز شهیدان حزب و نهضت

یا نمی باید آزاد یزدن - وین سرو لاف
یا که از بی بوی درون می باید گرفت

و ای لندن : درباره اعتصاب پیشگزار:

اوج روز افزون اعتصاب و اعتراضها
کارگری و خردی ای بسیاری که از مبارزات
منفی و سیاسی طبقه کارگر ایران به طور
برآکنده و جسته و گریخته به گوش می رسد -
رژیم با وحشت و شدت عمل می کوشد آن‌ها
را محکوم نگهدارد - مرحله نهایی را در نبرد
اساسی خلق ما میوه ویژه طبقه کارگر
نویسد و عدل اخبار شورانگیزی نظیر
جنبش خونین زاران کارگر خانجات
نساجی در شاهی و مقاومت دلیرانه
آن مادر برادر پرورش شدت خا و گزافه‌های
وحشی شاه و نبود و مقاومت دلیرانه
کارگران کارخانه چیت تهران که نخست
مدردی قشری ای و یکریه و
دانشجویان و همکاران مادی و مومنی
آن‌ها را برانگیخت و بود و اعتصاب
پهروز زندیانا گاهی که در ماه های اخیر
جریان و کونگی آن‌ها در صفحات تیر
ضد کس شد و بی اختیار انسان را به
طه به ای اندازد که لندن بر اعلامیه‌های
که به مناسبت اعتصاب کارگران نساجی در
روسیه پیش شده نوشت :

گیلان در زمان شاه صفی صفوی و با بیا
اولیه و رزمندگان دیران ناسری
مجاهدان و فدائیان جنبش سرو لاف
استقلال لبنان و آزادی خوانسان
جنبش های شمال در سال های بیست
قرن بیستم و شهیدان استبداد
شاه : عشقی و فرخی و ارانی و جنبش
توده ای و صد تن شهید او و شهیدان
جنبش آذربایجان و کردستان و شهیدان
سازمان نظامی حزب توده ایران در
ادوار تلخ آن (گنبد قابوس جریان
آذربایجان و کردستان و جریان ملی کردن
صنایع نفت) و شهیدان جنبش مایداری
اشیردیران ارتجاع سیاه محمدرضا
شاهی و سرسوزیه و شهنشاه تیزبازی
و سر و کسری و پرریز حکمت جو ...
درستی بسیاری بسیار باقی از یک کارنامه
بسیار شایسته و پرافتخار از کارنامه
نبرد مردم ایران علیه غاصبان و تجار بزرگ
بیژان علیه شامان و فئودال ها و
سرمایه داران ستمگر علیه مستبدان و
فاشیست ها و نفاقانست ها و چاکران

این یعنی است زیرا و صفت صائب از قبل
در آن صف و بی ثبات تهریزی . آری
الهیون رهایی و آزادی مردم ، یعنی
امان جفا آمیز به دشمنان نیرومندی
که بی شرمانه از زحمت شریف و وفاداری
مردم ، برای آراستن کاخ ها و سعادت
زندگی خود ، برای پایمان کردن سمات
ایجاد کنندگان واقعی نعمات صادی و
معنوی و استفاده می کنند .
این دشمنان و اگرچه از دماغ تمدن
اندکند ، ولی با تکیه به ثروت و قدرت
دولتی ، جبهه و خرافه و بهیچ تسی
که : و در برزنده آند و نیروی عظیم در
اختیار دارند : نبود با آنان نبود پهلوان
است با از ای وقت سره آتشکام
بی رحم و شوم و نبرد مقدس و عظیم
که تاریخ ایران از غلظت دهه آهیز
آن مرشراست : به آفرید و ابو صلح
سنگد استاد سپهر ، المکنج و سزاد
سپاک و مازیار و زنگیان و سندهلیان و
قرمطیان و مرد اوین و سریداران ، رن
نقطویان و قیام کنندگان تهریز در زمان
شاه طبعاً صاحب قدری و قیام کنندگان

۷ و ۶ نوامبر باید برای همه ما
روزهای فراموش نشدنی باشد . . . آنگاه
نساجی با مقاومت سرسختانه خود در
بقیه در صفحه ۱۰

رژیم عقب می نشینند؟

زندانیان سیاسی که به همین اری طولانی و حتی ابد محکوم شده اند - در شرایطی که رژیم از دسالت بین آزاد کردن زندانیانی که حتی مدت کوتاهی آن ها سرآمده بود خودداری می کرد - کلان فشار و دشمنانه چکه یوشان و موفقیات بیاب در زندان دار میگردد. گاه - اگامش داشته شگفته بود مورد بازداشت شد آن ، راضیافتن دوباره گرونی از نوسندن ممنوع القاد به جراید و درین حالات و مالی که باوجود آیکی بودن چاپ نظایر آن ها از مدت ها پیش در نشریات دست آخور رژیم نامیسر پرد و شواهد دیگر و ... و ... از تغییراتی در روش رژیم و عقب نشینی ناگزیر آن حکایت می کنند . با چنین چشم اندازی پرسش اساسی که در برابر مبارزان قرار گرفته ، این است که این عقب نشینی ها تا چه حد واقعی و پایداری است ؟ ضمن حقیقی آن چیست ؟ چه اهدافی را دنبال می کند ؟ از چه مسائل و عوامل نشات می گیرد و ناثرو و میزانی آن تا کجا می تواند گسترده شود ؟ و نتیجه مبارزان در برابر این موج نوحاسته چگونه است ؟

پاسخ به این پرسش با استلزام دریافت صحیح از عوامل ایجادکننده چنین وضعی است و در این گوش باید در درجه نخست عوامل اساسی داخلی و خارجی را در نظر بگیریم :

۱- عامل خارجی

روند جهانی در سال ای اخیر با توجه انگار ناپذیر و محبت آموزی این حقیقت بنیادی را آشکار کرده است که برای رژیم ای ضعیف و فاسد و نسل قتل زبانه دان تاریخ است . چکه پیشان ، چهاره بندان و دشمنان زندانیانان تلقی با به غروب خود رسیده اند و نوهه ها و دلان و نوکران امیرالیم هیچ در نمیاید برابر خود خیزند ارند . این روندی است وقفه ناپذیر و بی بازگشت که ایدی برای رژیم های که زانده امیرالیم و تفاله نسوا در برستی و استعمار و استبدادند باقی نمی گذارد . تجربه بسیار گویای ویتنام ، لائوس ، کامبوج ، زوان یک شبه سرهنگان یونان و رژیم فئودالی که سالازاد بر ترفال به ارت کرده بود و فرورختن امپراتوری فلج و گشوده عوش انجیبی ، از دست رفتن مستعمرات افریقایی پرتغال و تولد طست های رزمجویی در آنکولا ، گینه بیسائو و موزامبیک ، زمین لرزه های سیاسی عمیقی که موات فرانکو را برایشان کرده است و ده ها شاه و رویداد دیگر و تنها در ظرف دوسه سال ، از شتاب فزاینده این روند جهانی حکایت می کند . در این ضمن رژیمی که با تکیه بر استبداد قرون وسطی و سالی در دوران رحمانه مطلقیت و ثروت ای بران ناید بر آن در بازار ای سرمایه و رایفای نقش زندان امیرالیم در منطقه بانقده جان و خون جوانان و ثروت ای مادی کشور و تهر و ارباب و گشت و گشتاری حساب داخلی به حیات ننگین خود ادامه می دند و نمی تواند از بهترین نسیم و کوچک ترین طنینی که

در جهان به راه می افتد متوحش نشود . این طنین ونسیمی که باعث وحشت رژیم هاری از پهر شاه شاهان شده ، تا امرای تغییرات محسوس است که از چندی پیش در منطقه در شرف تکوین است . انتقال مرکز ثقل پایگاه امیرالیم در منطقه از تهران به ریاض ، به دنبال تحولات لغتیرخا و میانه در این بررسی موزوم قابل تاملی است . عربستان سعودی به دنبال موقهیتی که به برکت دلارهای نفتی در سوق دادن رژیم صریح سوی امیرالیم جهانی به دست آورد و آنگاه پیروزی دیپلماتیک آن در پایان دادن به جنده لبنان به شهر نیروهای طی و تفرق و سپس سرعت بخشیدن به گرایش سوریه به سوی امریکا ، از موقعیت استراتژیک قابل توجهی برخوردار گردید . این حرکات از نفوذ معنوی و بود قاطع دلارهای نفتی سعودی در جهت تقاصد امیرالیم حکایت می کرد ، اما این پیروزی های نسبی با بازی خائفانه رژیم سعودی با شورش درایک هدم پذیرش تصمیمات جمعی آن در جهت افزایش قیمت نفت ، از یک سو عکاسی سابقا ی درایک به وجود آورد و از سوی دیگر نفت ارزانی را که برای کنترل امریکایی نفت می توانست محل سودهای سرشار جدیدی باشد در اختیار امریکا گذاشت . به این ترتیب که به کنترل نفتی امریکا امکان داد با در دست داشتن انحصار نفست اوزان تر عربستان ، نفت مازاد بر احتیاج امریکا را در بازار های دیگر به فروش برساند و از این رهگذر سودهای کلان به جیب زند .

این تحول در منطقه با تغییرات کادر رهبری امریکا و پیروزی جناح معتدل تودمکرات در انتخابات ایالات متحده مقارن بود . جناحی که در امریکا با تقار ریاست جمهوری کارتر قدرت را به دست گرفت ، و هلاک جناح نفتی است یعنی جناحی که کنترل های نفت در آن از نفوذ محتاطی برخوردارند و تا از اردینامیم چرخش جهان به ویژه پس از جنگ ویتنام و ثروت رو بردن با واقعیت اوج گیری نیروهای چپ و تفرقی در راه های غربی و شرایط نوین جهان آگاه است و اسلوب معاصر و شیوه های انعطاف پذیرتر و نگاه واقع بینانه ای را در برابر این تحولات جست وجو می کند . سخنان به نام آرتشین کارتر در دفاع از حقوق بشر و شیوه بشر و ملامت ضمنی او از رژیم ای که این حقوق و اسب را نقض می کنند و نیز هلاک آمادگی آن برای تحکیم سلاح ای استراتژیک و وحدت دیدت فروش اسلحه به رژیم های بی تکیه گاه و با درعواء موبد یعنی برداشتن است .

با این تفصیل می توان پذیرفت که انتقال مرکز ثقل سیاست امیرالیم و سکوی جهش او از تهران به ریاض که باز نزدیکان عمده قوای ایران از ظفار از نخستین نتایج آشکار آن بود ، از پشتیبانی کارتر و جناح او برخوردار است . به این ترتیب رقابت و مسابقه ای که از سوی پیش بین تهران و ریاض - به مثابه دو زندانم که در یک خلیج بقیه در صفحه ؟

به مناسبت سالگرد شهادت سروکسرخی و کرامت دانشیان

گل سرخی که همیشه شکوفان است

نوشته‌اند . چرا ؟

فرمانروایان ستمگر ، با وجود محدودیت فکری طبقاتی خویش ، این واقعه بی‌تاریخ را درک می‌کنند که اگر افکار انقلابی امکان نشود ، بائسند امکان تبدیل شدن به نیروی مادی و نیز خواهند یافت و این همان خطری است که موجودیت آن‌ها را تهدید می‌کند . خواهند کرد . آن‌ها این واقعیت را هم درک می‌کنند که نمونه های مقاومت ، همدانکاری و قهرمانی به مبارزان انقلابی به خلق پیکار چون نیروی مادی می‌دهد ، و این خطرناک بودی نظام استعمارگرانه و ستمگران را تشدید خواهد کرد . دستگاه جاسوسی ، پیگیر زندان شکنجه و همدانکاری که رژیم شاه بر پا ساخته برای آن است که از نشر افکار انقلابی و از تبدیل شدن افکار انقلابی به نیروی مادی جلوگیری کند ؛ برای آن است که مظاهر مقاومت و مبارزه مردم را با یاباورد کردن به تسلیم و توبه و با پاناهود جسمی بخرد کند ؛ برای آن است که امید خلق را به پیروزی آزادی و عدالت با نوسیدی مهمل سازد .

گل سرخی و دانشیان به ندای خلق گوش فراد اند ، هنر خود را در خدمت خلق گذاشتند و همه های ستمگران آن‌ها را نفریفت ، تا آنکه جلادان آن‌ها را از پای در نیارند و حکم اعدام افتاد و اراده شان را سست نکرد . گل سرخی و دشمن فردا گفته بود :

ما همین فردا
کاری خواهیم کرد
کاری کارستان .

گل سرخی و دانشیان با ایثار جان خود به راه خلق ، به آرمان انقلابی خویش وفادار ماندند ، و کاری کردند کارستان ! از نظر رژیم ستم خد خلقی شاه چه جبری بالاتر از این ممکن است وجود داشته باشد ؟

ولی فرمانروایان ستمگروقتی می‌خوانند با تطامع و تهدید ، با نیرنگ و زور به از بندان و شکنجه و همدانکاری ، آن موجودیت ننکن آن‌ها را تهدید می‌کند از بین ببرند و دیگر واقعا در چارچوب محدودیت فکری طبقاتی خود اسیرند . آن‌ها نمی‌توانند درک کنند که با زروسیم و همدان و درفش نمی‌توان از تکامل تاریخ جلوگیری کرد ، که خلق با بانی خونین از شکنجه ستمگران و همدان اند و همین از شهادت مرزبان ، ولسی سرانجام به آزادی خود دست خواهند یافت . گل سرخی که پس از شهادت گل سرخی و دانشیان این بیانگر احساس مردم نسبت به این جنایت رژیم شاه شد ، و بیک این فرد آزاد بود .

و برای آن که دشمنان آزادی چشمان ما را با نبرد رخشسان خود زود ترورشن کند ، و بیخ از سرچیز و قبل از هر چیز ، به گانگی بقیه در صفحه ۵

وقتی جلاد نهال زندگانی سرو کسرخی و کرامت دانشیان را از پای در آورد ، مردم به گل حزن روی آوردند تا از امتشبه نام بی‌یاد این شهیدان آزاده و دلیران زنده نگاهدارند و هم به آن ستمگری که می‌خواست دگر از ایران راه کورولوت بدل کند ، خشم و نفرت خود را نشان دهند . مردم در این منظره خود موفق شدند ، جلادان این نشان را فهمیدند و کاریه جایی کشید که ساراک به شوک که به تنگی گل سرخی با خود داشت ، با سوخته‌ای می‌نگریست !

مکن به یاد چنین تصادفی در شاهیه نام روی نداند ، واقع چنین تصادفاتی استثنایی است . دانشیان که گل سرخی به پای تیر اهدام رفت ، حکمت جو که چون نیرازی زور شکنجه شهید شد و آن ده ها و صد ها فرزندان شایسته خلق که بی دریغ جان خود را در راه آرمان انقلابی خویش نثار کرده اند ، نام های " هادی " داشته اند . ولی مردم هر وقت امکان فرصتی یافته اند ، احساس خود را در باره قهرمانان خلق با هر چه کردن یک شعر و یک ترانه ، یک نام هر آنچه که بتواند بیا نگر این احساس انسانی باشد ، بروز داده اند . این احساس خلق در باره فرزندان قهرمان خویش در همین آینه نشان مقاومت و مبارزه است . و همین است که قهرمانان جدیدی می‌پروند . از آن زندگانی گل سرخی و دانشیان حکمت جو نیرازی و ده ها و صد ها نفر دیگر از مبارزان راه خلقی پرور شده است ، و گل سرخی که مظهر شرف و آزادی ، نشان مقاومت و مبارزه است ، همیشه شکوفان است و زیرا که خلق که زاینده شرف و آزادی ، مقاومت و مبارزه است ، جاویدان است .

رژیم شاه که برای حفظ سلسله تنوم و ابروی خویش گروه صهیون پرستان راه دادگاه های فرمایشی نظامی و از آن جا به زیر شکنجه و یا به پای تیر اهدام می‌کشاند ، گاه " مدارک دادگاه پسند " هم برای اثبات " جرم متهمان " در اختیار دارد . تا به می‌شود " روانه ضحمان شود " متصرف می‌کنند که برای سرنگون ساختن رژیم شاه ، برای برچیدن بساط ظلم و استبداد به پای استند ! ولی اتهام متوجه برای بودن افراد خانواده سلطنت ، و نه به گروه کسرخی و دانشیان وارد شد ، از بهیچ وجه ، بی پایه بود . ساراک با تمام تلاشی که کرد و دادستان " نامی با تمام " بی‌ارتری " که به خروج دادگاه رسید ، نتوانستند که توبین مدارک در لیلی برای اثبات این اتهام ارائه دهند . و دادگاه " نامی فرمایشی به صورت خیمه شب بازی مسخره ای درآمد . با این همه گل سرخی و دانشیان محکوم به اهدام شدند و شریعت شهادت

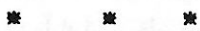
اتحاد به ها و جمعیت های کارگری حقوقی هادپسی و
دموکرات در کشورهای اروپایی اعلام آمادگی کردند که در
سال مبارزه جهانی علیه رژیم ایران فعالانه شرکت خواهند
کرد .

۲- عوامل داخلی

در حالی که عوامل خارجی در پیوند مستقیم با هم به یک
جریان نیرومند علیه رژیم شاه تبدیل شده ، کاهش تولید
نفت - به دنبال خیانت عربستان به اوک - سالانه بیش
از ۷ میلیارد دلار از درآمد ایران کاهش می دهد . با
توجه به این که سال گذشته ایران با در دست داشتن
در حدود ۲۲ میلیارد دلار درآمد نفتی بازم سه میلیارد دلار
کسری موازنه داشت ، تاثیرات فوق العاده این کاهش
ناگهانی بر اقتصاد ناتوان و در حال تلاشی رژیم - که یک
اقتصاد متکی به نفت است ، یعنی ۹۰ درصد آن به درآمد
نفت تکیه دارد - قابل دریافت است . ۵۰۰ میلیون دلار
قرض با شرایط نامحتمل از بانک های اروپا می که در چند
هفته پیش صورت گرفت ، نتوانست حتی نقش یک قهرمسکن
را برای رژیم ورشکسته شاه بازی کند .

بدینسان ضعف مطلق اقتصادی و درختن ورشکستگی
سیاسی و اجتماعی رژیم و بی پایگاری او در میان مردم ، از یک
سور و فشار عوامل خارجی نگرشده از دیگر سور و رژیم را
در موع بسیار ضعیفی قرار داد و او را ناگزیر به تن دادن به
ارهای عقب نشینی تا کرد .

تحولات یاد شده اخیر یاد رک ضرورتو احتیاج ناپذیر
بودن این عقب نشینی ها انجام پذیرفت و یادشرف انجام
است .



رژیم می گویند عقب نشینی خود را به عنوان یک نصف
لاخلاج از دیدگاه مردم محکوم نگاه دارد . اما مستی بنیاد
و پوشالی بودن چارچوب حکومتی و عدم اعتماد نگرانی
عصی که بر جلد و کارگزارانش مستولی شده ، این عقب نشینی
را به هیچ وجه قابل رویتی کشنده نیست . البته شروع
نتایج در نتیجه تا چه آ میز بیابانها . همین تدریجی توان
معتقد بود که رژیم تا این حد می روزه و پیوسته و مفتضح
نتی علویت عقب نشینی چندانی ندارد . با حفظ موازنه و
بنیاد این جامه و کهنه ارتجاعی کمونی و عقب نشینی شاه و
اموان وانصار او بی شک محدود و ناچیز است و بیشتر به یک
مانهر می ماند و نمی تواند برای افراد و نیروهای مترقی زیاده
شوق انگیز باشد . رژیم می داند که عقب نشینی او همان ممکن است
از کنترل خارج شود و از صورت یک حادثه به صورت یک
روند درآید ، بنابراین به پیروی از خصلت کوبه بینی خود سعی
ببقیه در صفت

رژیم عقب می نشیند ؟
نگیند - جریان دولت در این مرحله به نفع عربستان
سمودی ، تأکید بر رفتن روسگلی جدید با جهت گزینهای
چاه های نفتی خود در مدبر سرای امپریالیزم بانگی نشست
بر این سیاست جدید فغان از رژیم چون رژیم شاه
جلاد ایران که در آلیه برنامه های داخلی و اجتماعی و سیاسی
و اقتصادی خود با شکست روبه بست کامل روبرو شده است و
فساد در همه اشکال آن در تمام نمود و ذرات ارسوزن کرده
وازدل کوچک ترین و بیش از افتاده ترین سایل اجتماعی تاثیر
ترافیک و تاجین شیرواز و شاز و نوشت مردم عاجز است
از تازد راز مدت برای اربابان امریکایی که درگیر یک نبر
جهانی و دشوار مرد و زندگی اند هر روزه روز غاضب ترست
توی نمود . ارباب امریکایی که نمی خوانند تپول پرحاصل و
مهی چون ایران را چون دیگر تپول نمایند در افریقا و
آسیا و دیگر نقاطا جهان از دست بدهند ، مایل نیست
که رژیم ه با فساد و بی لیاقتی و صفاتی های بی آینده خود
هر چه بیشتر پایگاه ایاد در میان مردم از دست بدهند .
اوبه ضرورت و مفید بودن اقداماتی نظیر اصلاحات ششم
بهمن - که در زمان تصدی آندی و قدرت همین جناح
از دموکرات ها انجام گرفت - معتقد است . بنابراین
فشار بر شاه برای تبدیل فشار را و انجام اصلاحات
محدود و بی خطر تا بن درک است . بنا بر عدم پاسخ کارتر
به رویا تیریک شاه به مقامات بیرونی او در انتخابات
و آغاز دوران ریاست جمهوری اش ، تلافی عقیده بیمن
تهران - و نشانگر را آشکاری سازد . فراموش نکنیم که
سناتور های دموکرات در کنفره امریکا ایران را ، انهای حقوقی
که از اسلحه امریکایی اشباع شده نامید ماند و نسبت به
وجود چندین ده هزار امریکایی و انبار های عظیم تسلیحات
امریکایی در چنین کشوری اظهار نگرانی نمود ماند . با این
مقدمه می توان قبول کرده در رقابت تهران - ریاض با
وجود جانبداری کارتر اسلحه از ایران ، ریاض برنده شد .
اما این تامل باید حادثه خارجی دیگر همراه بود آن
بیرون وسیع سازمان های بر حقیقت جهانی علیه اختناق
در ایران و بسیج نیروهای دموکرات و آزاد بخواد در غرب
سرمایه داری در جهت یاری رساندن به زندانیان سیاسی
ایران بود . در حالی که در این مبارزات سازمان عفو
بین المللی که یکی از بانفوذ ترین سازمان های دموکراتیک
غرب است و بسیاری از شخصیت های سیاسی و ادبی و نوری
و اجتماعی و حقوقی اروپایی در آن عضویت دارند ، یک رده
بود ، دانشمندان ایرانی ، از آنکه هر سازمان های
مخالف رژیم نیز تلویحاً به این تواتر رسیدند که سال
۱۹۷۷ را اختصاص به مبارزه با رژیم شاه آلی شاه دهند و بر
محور این کوشش ، مانع و اختلافات خود را موافقتاً سکوت
بگذارند . به دنبال این موافقت بسیاری از سندیکاهای

گل سرخی که . . .
آزادگان نیرو است . چه زیبا چه درست گفته است گل سرخی
که :

باید در هر سینه ای البرز

نزد یک توشهم

باید یکی شویم

ایمان همراستمان زیگانگی ماست .

در سالگرد شهادت خسرو گل سرخی و کرامت دانشیان
و یاریان شهیدان راه آزاد میهن عزیز ما ایران مبارک
همان ی بنده یکم برای تحقق این یگانگی از همین کوششی در پیغ
نهزم .

رژیم عقب می نشیند ؟

می کند با حزم و احتیاط گام به عقب بردارد و طوری گام بردارد
که با یافتن کمترین فرصت ضابطه بتواند خیزشهای بزرگتری به
جلو بیاورد و عقب نشینی های خود را جبران کند .

اما حتی این برداشت مانع از آن نیست که نیروهای
ملی و متوقی در برابر او در حالی که در حال تکوین است می
تفاوت و خنثی باقی بمانند . با شناساندن دقیق خصلیت
دشمن و شکوه های او می توان هر قدم عقب نشینی او را پیش
قدم پیشروی نیروهای متوقی تبدیل کرد . مبارزه ما مبارزه

در رده جبهه ما است . از هر لحظه منتقم در حال دانه
جزیی و در عقب نشینی و حتی در مانور . حتی اگر ابعاد آن ناچیز
باشد . باید به فراخور مسود جست . عقب نشینی رژیم
خشک اندیش و تند مردمی شاه در برابر نیروی فزاینده افکار
عمومی و مبارزات مردم و در تحت تاثیر تضاد های روز افزون
و عمیق درونی و جهانی ، یک بار دیگر صورت اتحاد همه
نیروهای مردم رژیم را در یک جبهه مشترک تصریح می کند . چنین
اتحادی می تواند ثمرات عقب نشینی های از این گونه را به
نفع مردم و نیروهای دموکراتیک هر چه بیشتر و وسیع تر
سازد و روند سرنگونی رژیم را تسریع نماید .

سپرد در راه تحقیق برنامه حزب
تسوده ایران وظیفه هر ایرانی همین بر
است . حزب توده ایران ، اعضای حزب ،
کلیه طبقات ، قشرها و عناصر ملی و متوقی
کشور و همه خلقهای ایران را فرا میخواند
که در زیر درفش این پرچم که تنها راه
تأمین آزادی و سعادت مردم ایران است
گرد آیند و مبارزه کنند .

★ شاعر بی نام ★

از : خسرو گل سرخی

بر سینه ات نشستم

زخم صیق کاری دشمن

اما ،

ای سرو ایستاده نیافتادی

این رسم توست که ایستاده بمیری .

در تو ترانه های خنجر و خون

در تو پرندگان مهاجر

در تو سرود فتح

اینگونه چشم های تو روشن

نگر نهوده است .

با خون تو ،

میدان تو خزان

در خشم خلق

بید اری شود .

مرد

زان سوی تو : دانه ، بدین سوی

سوز می کنند

نان و گرسنگی ،

به تساوی تقسیم می شود

ای سرو ایستاده !

این مردم توست که می سازد .

دشمن دیواری کشد

این عابران خوب و شتم بر

نام ترا ، این عابران زنده نمی دانند

و این در پیج هست اما

روزی که خلق بد اند

در قطره خون تو صحراب می نمود .

این خلق ،

نام بزرگ ترا

در هر سوز میهنی این

آوازی دهد

نام تو بد چم ایران

خزیده نام تو زنده است .

انقلابی را يك كام جلوگیری و در طول مدت مسوآن را تسهیل کند.
 تاریخ حزب ما سرشار از جانبا زی و جانبا زان است.
 سیمای تابناک دکتر تقی ارانی (که روز شهیدان به نام خاصی
 او است و نمونه کار او الهام بخش توده ای ها است) ده ها و
 صد ها قهرمان در صفوف ما پرورده است . آری رفیقان نیمه
 راه ه مرتدان و خائنان ه بیست فطرتان و تسلیم المان نیز
 بوده اند و خواهند بود . آن ها چه جا هستند . با وجود
 آن ها هیت يك جریان انقلابی عینی نمی شود . تکامل يك حزب
 انقلابی بر فراز شیب و درونایک است . این يك واقعیت
 سرسخت تاریخی است که مکتب تودمای پرورنده قهرمانان
 و قهرمانی است و منتها نوع تازه ای از قهرمان - قهرمانی که
 با حزب و با خلق و با جهان بینی علمی و با جنبه انقلابی جهانی
 پیوند سرشتی دارد و در چارچوب تاکتیک و استراتژی و در چار
 چوب سازمان حزبی و انضباط حزبی خود عمل می کند .

با آن که مادر این مسئله موع علی و آزود و دوداریم
 ولی از تنگ ناری و تعصب بی جا به دوریم . مانع فقط در برابر
 قهرمانان - انباز نهیت تودمای نهیت آذربایجان و کردستان
 شهیدان برانند از سازمان نظامی حزب توده ایران سرمتنا هم
 فرود می آوریم و در مقابل باید اوان دلیری که در سال های اخیر
 - ولواز مواضع نادرست - ولی با صداقت برودید و خون و وار
 پهلوی و اربابان مردانه ایستادند و شهید شدند و ابراز
 تحسین و احترام می کنیم . رفتار بسیاری از آن ها در سلامت و روزنی
 شکنجه و درد اداه نظامی و در مقابل جوخه اعدا اوجاق
 قهرمانانه بود . ما بسی سر بلندیم و از ان خلق ای ما چنین
 در تران و جوانان به حد افاضه آمیز لاری بیرون آمدند . ولی
 احساس نه سین و احترام نسبت به صداقت و ایثار و شهادت آنها
 حتی يك لحظه مانع جدی ترین انتقاد مانسبت به رهگذر ن
 تاکتیک و استراتژی لنینی مبارزه نیست . در این جا مسئله
 اصولی است و آن را با احساسات نمی توان حل کرد .

درس های تاریخ صهیب و خونین است . خاطره شهیدان
 مارا به اتحاد و اتحاد عمل می خواند . نیروی ما که مخالفان
 استبداد و استعماریم اندک نیست . اگر این نیروها به جای آن که
 هجرت و گریز کنند و خود را بیرون ناتوان کردن بیکدیگر کرده با
 ضی درست سیاسی - سازمانی به دشمن خفیه و لیدرهای
 ایران یعنی رژیم نفوادمستی و در شاهان بنایند و در شرایط
 جهان امروز که با تغییر مستمر تاسمیلبرود در عرصه جهانی
 به سرد نیروی ای ملج و دموکراسی و به شرکت اجتماعی و سیاسی
 و فتح به سود خلق ادرت میسر است و روز پیروزی را به مراتب
 نزدیک تر سازد .

درد پرشور به خاطره تابناک شهیدان قهرمان
 حزب توده ایران و جنبش رعای بخش ایران و در
 پیشاپیش آنها دکتر تقی ارانی رهبر و حجتکشان ایران

روز شهیدان حزب ...
 استعمار و استعمار و فقط برای آن که تصوری به دست آید
 از این میان تی یک نام را نباید فراموش کرد !
 آن روز خواند رسید به اسم ارویانی که به نام آرمان
 مقدس استقلال و آزادی خلق به دست مستعمران و تجار و زور
 به خاک و خون غدایده و یا آگین داران آمده و زینت شهر
 و کوی ما شود و مورد ستایش و ستائش قرار گیرد .

از این میان تی یک نام را فراموش نباید کرد !
 آن ها رفتند ولی آن خلق هنوز است که سیاستزار صمیم
 خود مستعمران مدیق خود باشند . چه چیز از شهادت و ایثار
 نفس در راه اثبات صداقت و دلاوری ؟ چگونه می توان چنین
 دوستان شایسته خلق را از غایت فرود ؟ هرگز !



برای ما مارکسیست ها شهادت به خاطر شهادت
 مطرح نیست . در ترین و سالی گمشدنی که به قول مولوی ما
 " مرغ مرگ اندیش " بودند می گفتند : " به یاد مرگ باش ! "
 ما مارکسیست های گوئیم : " به یاد زندگی باش ! " . ما
 سعادت را در آن سوی زندگی نمی جوئیم . می خواهیم همین
 جا در همین عالم ایجاد کنیم . چه دشمن سرود اقبال
 پاکستانی :

مقدم زنده دلان و اب پریشانی نیست

از من خاک جهان را گوی سالتن است .

ما زندگی را دوست داریم و برای آراستن و زیباساختن
 می گوئیم . هدف ما " زیبا کردن " نیست . هدف ما مبارزه
 موثر کردن است .

در ایران کراه سازانی پیدا شدند که " شهادت " را
 هدف غایی نبود می دانند . شهادت به خاطر شهادت این
 این سخن ناروایی است . این يك شمار بی آثار شیمی است
 يك مارکسیست لنینیست هرگاه در هر باشد با سر بلند می جان
 خود را در راه خلق خود نثار می کند و ولی فقط هرگاه سر
 باشد . يك انقلابی واقعی تسلیم دشمن نمی شود و به پستی
 خیانت تن در نمی دهد و مرگ را بر زندگی برانو ترجیح می دهد
 ولی باتمام قوا می گوید که زنده بماند و مبارزه کند . حشمت
 زندگی و سر بلند می در مقابل مرگ شکار است . کسانی در
 ایران (بسیاری از آن ها صادقانه) تئوری درست ضرورت نبود
 سیاسی و سازمانی سیاسی از حجتکشان را " تئوری " نام
 نهادند ! گفتند " موثره مرگ گوئی " باید و در راه عیان
 انگند تا " بیخ سکوت " و باشند ! این مرگ ها و نیز تکرار
 می شود و با آن که در راه آن در عمل به کرات ثابت شده و
 انرژی از بزرگ به عیت بر سر آن بهادر شده است .

انقلابی عصر ما از به اشکال مبارزه اعماز صلح و صلح
 استفاده می کند ولی به شرط آن که این مبارزه برای خلق
 مفهوم باشد و اثرات جهیز کند و به دشمن ضرر موثر برزند و

خبرها

تازمین تو انه رژیم علیه کارگران

تازمین دست پنهان رژیم ضد کارگری شاه برای کارگران شریف ایران پایمال کردن تمامی از حق مسلم آن‌ها در زمینه دریافت سود ویژه است. انجام این تصمیم کثیف به آزمون وزیر کار و جاسوس شناخته شد مساوات و آند ارشد هبه سموت همیهای بوقانون سهم شدن کارگران در سود کارخانه جلوه کرده است. بر اساس مصوبات اخیر از این پس تنها کارگرانی در سود ویژه واحد های صنعتی سهم می شوند که حد اقل يك سال تمام در آن واحد به کار مشغول باشند. اما نکته شریف این که رژیم ضد کارگری تصمیم گرفته است به نفع سرمایه داران حقوق و امتیازات کارگران را محدود سازد و در اجرای این هدف مقرر داشته است که به ازای هر روز فیهت موجه یا غیر موجه کارگر از میزان سهم سود ویژه آن‌ها کاسته گردد. حتی معادل روز های که کارگر به مرضی استحقاقی سالیانه می رود از سهم سود آخر سال او کم خواهد شد. این اقداماتی آزمون ساواکی و سرمایه داران چپاولگری که او نماینده آن است ملین است که سود ویژه به خاطر شرکت فعال کارگران در تولید به آن اختصاص می یابد. بنابراین در روز ای که آن‌ها به مرضی می روند و گرچه این غیبت موجه است و نقشی در تولید ندارند و نمی توانند از ثمرات آن نیز بهره ای ببرند. نکته دیگری که در این برنامه شاهانه گنجانده شده این است که میزان سود ویژه هر کارگر را نیز سئول او تعیین می شود و کارگرانی که سئول آن‌ها ناخوشی نسبت به آن‌ها ابرازند، تنها از حد اقل سود بر نورد خواهند شد. قرارداد این رابطه شخصی به جای رابطه شخص به کار و این هدف غیر انسانی را دنبال می کند که با بهره سود ویژه کارگران را به کار هر چه بیشتر وادارند و نرخ بهره یعنی کار و بهره کسی از کارگران را تا حد مقدور بالا ببرند. ما ضمن اعتراض شدیدی به این تصمیمات ضد کارگری و ضد انسانی و استثمارگرانه توجه کارگران زحمتکش را به این حقیقت جلب می کنیم که تنها راه مقابله با رژیم فاسد و دروغگو و توطئه چین شاه هتتمثل در واداندنای صنفی سیاسی و حزبی و مبارزه با یکدیگر در راه سرنگونی آن است. تا وقتی این رژیم جلا و غارتگر وجود دارد کارگران هر روز زشم تازه ای بر پیش رو زحمتکش خود احساس خواهند کرد.

می کنند و این کار را به بخش خصوصی می سپارند. (۱) زیرا "ادامه وضع موجود و وارد کردن مواد می مانند مرغ و تخم مرغ بزرگ و سیمان و دیگر کالاها با پرداخت ماهه تفاوت قیمت های وارداتی و داخلی ... به ویژه درین کاهش در آند نفت ... دیگر برای مدت طولانی ممکن نیست". (۲) و این فکر دارند که "دیگر ... کمک دولت به صرف کنندگان ... در بهمن نخواهد بود و کالاهای وارداتی با احتساب قیمت تمام شده به اندازه محاسبه سود وارد کنند و فروشنده در اختیار مصرف کنندگان قرار خواهد گرفت". (۳)

مفهوم واقعی این اقدام دولت آن است که از این پس توده های زحمتکش مردم باید پول بیشتری از دستمزدها و حقوق ناچیز خود برای خرید مواد اولیه غذایی و سایر کردن شکم خود و خانواده خویش بپردازند. یعنی قیمت بسیار گران مساوی غذایی با رژیم در مقیاس بی سابقه ای گران تر خواهد شد و با لافتن قیمت سیمان و سایر مصالح ساختمانی قیمت خانه و اجاره بها نیز سه بره آسمان خواهد زد. و این در حالی است که مقامات دولتی می گویند دستمزدها را منجمد کرده و حتی کفش و بند و ملت این اقدامات ضد مردمی خود را هم کاهش در آند نفت ذکر می کنند. رژیمی که میلیارد ها دلار در آند نفتی ایران را صرف خرید چند افزارهای مدرن تهاجی می کند و به شهری که ایران را به زرادخانه سلاح های رنگارنگ واره کرده کشور های امپریالیستی تبدیل کرده است هر رژیمی که میلیارد ها دلار از در آند نفت را از طریق دادن وام و خرید سهام گمانی های ربه و رشکست امپریالیستی به ضد نجات آن‌ها به گاو صندوق انحصارات کشورهای امپریالیستی می ریزد هر رژیمی که میلیارد ها دلار از بودجه کشور را صرف عیاشی و باخوشی گدازانی و جشن و سرور های گدایی خود می کند و هنگامی که با مسائل حاد و حیاتی مردم روبرو می شود خود را انکار می کند و می گوید بودجه نداریم در آند مان کم شده و خیره و و در حالی که از نان شب مردم می زنده به خرید سلاح و حیثیه میل بوده کشور ادامه می دهد. از سوی سیاست های ضد ملی و اسارت بار و دکشاوری ایران را دچار ورشکستگی بی سابقه ای کرده و غذا و مسکن مردم را به واردات از کشورهای دیگر به ویژه کشورهای امپریالیستی و در آن ایالات متحده آمریکا وابسته نموده و از سوی دیگر حلالی می خواهد زمین واردات را به بخش خصوصی یعنی بزرگ سرمایه داران غارتگر داخلی (و احمیان خارجی) و در راس آن‌ها درباریان و وابستگان به آن‌ها بسیار تا جیب های گشاد و پرناشدنی خود را پیش از پیش با غارت دستمزدها و حقوق زحمتکشان کشور که بدون این نیز زندگی فلاکت بار و پریشانی دارند و پسر کنند.

رژیم در جهت کاهش سطح زندگی مردم اقدام می کند

اخیراً برنامه ایجاد بود آند که "دولت به تدریج خود را از واردات بسیاری از کالاها به ویژه مواد غذایی و سیمان مکنار

تا این رژیم سراراست مرد ماروی، خوشم را نه و انشد
دید. متعجب بودیم رژیم شد مردی شاه را سرنگون کنیم!

۲۶۱ و ۲ - کیهان ۵ شماره ۲۸۰۷۸ نهم بهمن

محیط ترور و خشونت در دانشگاه

روز چهارشنبه اول دی ماه در کتابخانه دانشگاه فنی
دانشگاه تهران حادثه‌ای رخ می‌دهد که حاکی از شیوه‌های
جدید اعمال فشار فاشیستی بود دانشجویان مهین پرستوبارز
دانشگاه ای ایران است. هنگامی که دانشجویان سرگرم
مطالعه بودند متوجه ورود چند ناشناس به سالن کتابخانه
می‌شوند. افراد ناشناس پس از ورود به سالن ناگهان از
زیر لباس‌های خود باتون‌ها را بیرون کشیده و به جان دانشجویان
می‌افتند و بعد مای از آن‌ها را زخمی کرده می‌روند. چند لحظه
بعد خبر حادثه در تمام دانشگاه می‌پیچد و موجی از ششم و
نفرت برمی‌انگیزد. چند صد نفر از دانشجویان به طور دسته
جمعی نزد رئیس دانشگاه می‌روند و از توضیح می‌خواهند و
چون رئیس دانشگاه اظهار بی‌اطلاعی می‌کند صحنه به اوبرخاش
می‌گنجد و خواستار استعفای او می‌شوند. سه روز بعد باز حادثه
تکرار می‌شود. این بار عده بیشتری به دانشگاه فنی آمده و
به دانشجویان حمله می‌کنند و بعد مای از آن‌ها را ضروب می‌نمایند
افراد ناشناس که بی‌شک عمال ساواک آذکشی شاه بوده‌اند و
نمکن اعمال جنایتکارانه و عریه‌ده‌کنی‌های خود شمارمایی
از قبیل "مرگ بر مارکسیسم" و "مرگ بر اسلام" نیز می‌دادند.
چند روز بعد (سه شنبه ۷ دی ماه) در محل کتابخانه
انفجاری روی می‌دهد که باعث زخمی شدن عد مای از دانشجویان
و مرگ کتابدار کتابخانه که یک دختر فوق لیسانس بوده و
می‌شود. در روزنامه ای ساواک زده علت انفجار را ترکیدن
لوله‌های گاز قه می‌کنند اما دانشجویان دانشگاه عقیده
دارند که انفجار ناشی از بمبی بوده که ماموران ساواک به منظور
ایجاد محیط ترور و وحشت در کتابخانه کار گذاشته‌بود ماند.

اعتصاب دانشجویان مدرسه عالی ورزش

روز شنبه ۱۱ دی ماه دانشجویان مدرسه عالی ورزش
به عنوان اعتراض به وضع بد غذا و قطع کمک هزینه تحصیلی
اعتصاب می‌کنند و به طور دسته جمعی از محل خوابگاه به
طرف دانشگاه حرکت می‌کنند. ضمن برپایی شمار
ای منفی رنگ سیاسی می‌گیرند و به ویژه شعار "سرنگون باد
حکومت استبدادی شاه" با طنینی هر چه رساتر از میان صفوف
دانشجویان به گوش می‌رسد. در جلوی دانشگاه که الصیدک
ماموران انتظامی راه را برود دانشجویان می‌بندند و خورد
در می‌گیرند. در همین زد و خورد سرخنگ قربانده نیروهای
انتظامی متروپ می‌شود. در همین زمان نیروهای ژاندارمری
سرمی‌رسند و عد مزای از دانشجویان را متروپ و عد کتبری
را دستگیر می‌نمایند. صبح روز بعد کلیه دانشجویان را همراه

اعتصاب در دانشگاه صنعتی آریامهر

در دانشگاه صنعتی آریامهر روز دوشنبه ۲۹ آذر و
خورد شدیدی بین دانشجویان و پلیس آریامهر در گرفت.
ماجرای این جا آغاز شده دانشجویان به ادامه بازداشت
عد مای از رفتن خود که در جریان اعتراضات روز ۱ آریامهر
پیش از آن دستگیر شده بودند اعتراض داشتند و به رئیس
دانشگاه تاریخ ۲۹ آذر ماه فرصت دادند تا ترتیب آزاد شدن
آن‌ها را بد و تهدید کردند که در صورت عدم توجه به خواست
شان دست به اعتصاب خواهند زد. اما رئیس دانشگاه
توجهی به درخواست دانشجویان نکرد و در نتیجه دانشجویان
روز ۲۹ آذر اعتصاب کردند. اما اعتصاب آن‌ها با وجود حشمت
پلیس روبرو شد. دانشجویان نایاره دفاع از خود شدند. پلیس
نار آریامهری عد مای از دانشجویان و عد مای از استادان را که
با دانشجویان مدرسی می‌کردند زخمی کردند. این رفتار
رنیلا نه پلیس باعث شده در فرود ای آن روز (پانزدهم)
استادان دانشگاه نیز به اعتصاب پیوستند و به بی‌لیاقتی و سر
سپردگی رئیس دانشگاه و بدرفتاری با دانشجویان به شدت
اعتراض کردند.

اعتصاب کارگران کارخانه پارس الکتریک

کارگران کارخانه پارس الکتریک (جنب دانشگاه صنعتی
آریامهر) روز یکشنبه پنجم دی ماه اعتصاب کردند. کارگران
به فشار و استتاق پلیس، اکم کلکی دستمزدها، افزایش فزاینده
نیزه زندگی و سلامت کار زیاد و طاقت فرسا اعتراض داشتند.
اعتصاب کارگران با تهاجم و حشمت پلیس و ماموران ساواک
روبرو شد و کاریه زد و خورد کشید. شدت برخورد به حدی بود
که ساواک برای سرکوب کارگران از پلیس گارد دانشگاه
آریامهر نیز کمک گرفت.
دانشجویان دانشگاه صنعتی که خود در روزهای گذشته
با گارد دانشگاه برخورد می‌شدیدی داشتند بی‌درنگ
متوجه عدم ضرورت دانشگاه می‌شوند پس از پیوستن متوجه
می‌شوند که افراد آرد برای سرکوب کارگران دانشگاه را ترک
کرد ماند. این موضوع ششم دانشجویان را برمی‌انگیزد. آن‌ها
باتفاق اعتراض خود راهلیه و حشمتی‌های عد مای بلند می‌کنند
و ضمن ابراز مدرسی و مستقی با کارگران اعتصابی خواستار قطع
فوری الت و تهاجم پلیس می‌شوند.

با اتمام آن ها از خوابگاه بیرون می‌کنند و بعد به آن ها اعلام می‌کنند که هر کس بخواهد دوباره از خوابگاه استفاده کند باید ۲۵۰ تومان بابت خسارات وارده به محل خوابگاه بپردازد.

خواستنای خود تحقیق بخشند.

حقایق پیرامون فعالیت‌های جاسوسی امریکادرایران

در جریان زلزله اخیر خراسان بسیاری از حقایق پیرامون فعالیت‌های جاسوسی امریکادرایران برملا شد. پایگاه ژئوفیزیک تهران که می‌بایست زلزله‌های ایران پراشت کند، نتوانست زلزله خراسان پراشت کند و هلاک شد که دستگاه‌های این پایگاه از کار افتاده است.

به دنبال اعلام این خبر برای آگاهی از شدت زلزله در سطح مقامات دولتی پیشنهاد شد که از پایگاه‌های ثبت تشعشعات اتمی شدت زلزله پرسیده شوند اما با همتا مقامات سطح بالا و ساواک هرگونه تماس با این پایگاه‌ها ممنوع شد. در نتیجه کجکاری تعدادی از دست‌اندرکاران که قبلاً می‌دانستند پایگاه‌های امریکایی در ایران زیر نام ثبت تشعشعات اتمی فعالیت‌های دیگری دارند، -

فهمیدند که این پایگاه‌ها صرفاً مخفی است برای جاسوسی و دستگاه‌های عظیم مخابراتی و جاسوسی امریکادراین نقاط نصب شده است. از جمله این پایگاه‌ها که تعدادشان در حال حاضر در ایران ۷ پایگاه است می‌توان از پایگاه ساوه و پایگاه تهران که در خیابان ملاصدرا قرار دارند نام برد که کارشان کنترل جاسوسی اتحاد جماهیر شوروی است و تمام کارکنانش از وزارت دفاع و امنیت امریکا به عنوان ماهوریت در ایران به سر می‌برند و حقوق شان مستقیماً با چک از طرف وزارت دفاع امریکا به ایران فرستاده می‌شود.

تشدید فشار و ازسراج کارگران

به دنبال تشدید فشار بر کارگران در واحد‌های صنعتی و در راه‌های اخیر تعدادی از کارگران و کارمندان بالاشگاه‌های تهران و آبادان را که در مبارزات صنفی و قانونی کارگران نقشی داشته‌اند و بابت عنوان کارگران آگاه شناخته شده‌اند از کار انتراج کرده‌اند و بی‌آن‌ها در اختیار کارگرفتن قرار داده و بلا تکلیف گذاشته‌اند.

پیرامون خواست‌های کارکنان شرکت توانیر

قرار بر این بوده که از آغاز سال جاری ده درصد به حقوق کارگران مکارمندان و پندسان شرکت توانیر افزوده شود، اما مسئولان شرکت از اجرای این توافق سر باز زدند و با این افزایش بر ناخیز حقوق و اوقات نگردند. کارکنان شرکت چند بار نزد مقامات مسئول رفته و خواست خود را مطرح می‌نمایند اما پاسخ مساعدی نمی‌شنوند. سرانجام خواست‌های خود را به نام‌های که به آن راه‌های می‌گفتند به روزنامه ا می‌فرستاده مطرح می‌کنند اما وقتی چاپ نامه در روزنامه نیز از سرخسختی مسئولان در مخالفت با افزایش حقوق کارکنان نمی‌گذرد.

در اوایل آذر ماه با وجودی از نمایندگان کارکنان ضمن مراجعه به مسئولان موافق اضافه حقوق موقوفه و قطع پنجشنبه کاری سایر مزایا را مطرح می‌کنند اما باز هم پاسخ مساعدی نمی‌شنوند. لذا چند روز بعد اطلاعیه‌ای از طرف کارکنان انتشار می‌یابد و در قسمت‌های مختلف نصب می‌شود که در آن ضمن بر سر مردن خواست‌های حقوق کارکنان و مراجعات آنان و پاسخ‌های ضعیف مسئولان از خواست‌های می‌کنند تا در روز هشتم دی ماه در چهارم شهریور یافته و در مسود علت مخالفت خود با خواست‌های آنان توضیح دهند. به دنبال انتشار اطلاعیه موافق ساواک و وارد انتظامی به تکلیف می‌افتند تا از رونق اقدام جمعی احتمالی کارکنان جلوگیری کنند. در روز موجود کارکنان در تظاهراتی اجتهاد می‌کنند اما هیچ یک از مسئولان حاضر به همکاری نمی‌شود و حتی ماهوران غذا و هری را صادر کرده و از هر دو بیشتر کارکنان جلوگیری می‌کنند و آن را امتحان می‌نمایند.

نوعه دیگری از اقدامات ضد کارگری رژیم

از روز شنبه دوم بهمن ساعات کار کارگران کارخانه ایران ناسیونال از هشت ساعت به نه ساعت بها همان دستمزدهای سابق افزایش یافت. اضافه کار نیز لغو گردید. در حال حاضر کارگران در دونوبت از ۷ با ساعت ۱ بعد از ظهر و از ۷ شب تا ۶ با ساعت ۱ می‌کنند و صبحانه و نهار رانیز پشت دستگاه و درجه‌ای انجام کار صرف می‌کنند. کارگران به این تصمیم ضد کارگری شدیداً اعتراض کردند و بیست و چهار نفر از آنان به خاطر رفتن به سندیکا و طرح مسئله در آن‌جا به میزان دستمزد یک روز کسر جریمه شدند و مریخی شالانه سان نیز لغو گردید.

اصلاحه کارگران
مبارزات وسیع و مشکل صنفی، سیاسی و طبقاتی است

اکنون کارکنان شرکت توانیر هم بردمانند که جنبه مبارزه یکپارچه و مشکل و اعمال فشار بر کارفرمایان نمی‌توانند به

در باره اعتصاب
مقابل فشار کارفرمایان ثابت کردند که در این لحظات سخت هنوز هم روحمانی هستند که می توانند ضایع شترک ما راه به مشابه ضایع ایقه کارزده زنده نگاهدارند که کارفرمایان محترم ما هنوز موفق نشده اند مارا برای همیشه تبدیل به بردگان بیچاره جیب های بی انتهای خودشان بکنند . پس رفقها بیاید با سرسختی و هزم راسخ به پا خیزیم و مبارزه راتابه آخر بوسانیم هر فراموش نکنیم که قتل از این کوشش شترک و یکپارچه مان است که می توانیم شرایط خود را به کرسی بنشانیم .

در واقع هر چه جنبش کارگری بیشتر شود و با اهمیت واقعی رژیم محدود رانما می برود بیشتر آنگار گردد و توده ها بیشتر بیشتر این شمار لنین را به طور طویس حس خواهند کرد . تا سرسختی و هزم راسخ مبارزه راتابه آخر بوسانیم . هر چه جنبش کارگری بیشتر شود آنگارگران اهمیت مبارزه صحانه تر و مشکل تر و چشم انداز ابر روشن تر را بیشتر و طویس تر حس خواهند کرد . در عرصه مبارزه و اعتصاب همچنان که لنین در مقاله زیر نشان داده به ما یاد میدهد . موفقیت ایقتانیشان در جامعه و خصلت ایقتانجامه و تمام رومانی سیاسی و قضایی آن می خواهند بود و اینها بر این زهرت صبر بالا بردن آگاهی سیاسی و ایقتانی خود و استحکام تشکیلات و کوشش بارز در راه و استادی صنفی و سیاسی خود و نیز در راه ایقتان جنبش انقلابی را به طور کلی بیشتر درک خواهند کرد .

جنبش کارگری ایران بود تا کنون قدم های موثری در این راستا برداشته (ملاحظه کردن تقاضای ایقتان در مورد معونی کردن و اجراج مدبران کارخانه ای و حتی در مورد کارخانه کفش طی و طی کردن کارخانه و مطرح کردن تقاضای لزوم همه ای اجتماعی برای کارگران و طبقاتی ای که در اعتصاب گه پزخانه ماضی شد و همه نشان دهند این است که صالح آگاهی و مبارزه افشار بیشر و ایقتان کارگران آگاهی صنفی خیلی فراتر رفته است و در سال های اخیر رشد چشمگیری داشته است و لاجرم بار شد سرمایه داری و تضاد ای آن در آینده رشد بیشتری خواهد کرد .

مقاله زیر مانند بسیاری دیگر از مقالات لنین از این نظر اهمیت دارد که با تجزیه و تحلیل طویس روشن از ریشه های مولکولسی که باعث ایجاد اعتصابی شود و اثر آن آبر آگاهی طبقاتی کارگران و اهمیت و مرتبه اعتصابات در جنبش انقلابی ایقه کارگریک زمینه تشویق و تحلیلی برای کارور تبلیغ در میان کارگران به دست می دهد .

* * *

در سال ای اخیر اعتصاب ای کارگری در روسیه بی نهایت زیاد شده ماند . در اکثری یک ضایع صنعتی که در آن چندین اعتصاب رویند آمده باشد وجود ندارد . و در شهرهای مسزک

اعتصاب ها همچگاه متوقف نمی شوند . بنا بر این روشن است که کارگران آگاه و سوسیالیست ها باید بیشتر و بیشتر توجه خود را به مسئله اهمیت اعتصاب ها در روشن دیدن کردن آن ها و وظائف سوسیالیست های که در آن شرکت می کنند معطوف دارند .

خراسان ما این است که برخی از عقاید و نظریات مان برادر این باره به طور خلاصه بیان کنیم . در مقاله اول در نظر داریم که به اورگی اهمیت اعتصاب را در جنبش کارگری بررسی کنیم و در بخش دوم مسئله قوانین اعتصاب روسیه را مطالعه خواهیم کرد و در بخش سوم به روشن های که اعتصاب ها در روسیه هدایت شده می شوند و طریز برخوردی که یک کارگر آگاه باید به آن ها داشته باشد خواهیم پرداخت .

- ۱ -

نخست باید توضیحی در مورد پیدایش و کوشش اعتصاب ها پیدا کنیم . هر کسی که اعتصاب ای را میچه از جنبه های شخصی خود و چه از گزارش های دیگران و یا روزنامه ها به خاطر بیارود می درنگ متوجه می شود که چرا که کارخانه ای بزرگ برپا شده و بر شماره شان افزوده می شوند اعتصاب های رخ داده و کوشش می باید . به ندرت ممکن است که حتی یک کارخانه بزرگ را همان کارخانه ای که مدتها بود برخی موارد هزارها (کارگر دارند پیدا کرد که در آن اعتصابی روی نداده باشد . زمانی که تمداد کارخانه ای بزرگ در روسیه کم بود و تمداد اعتصاب انبیز کم بود . ولی از زمانی که کارخانه ای بزرگ چه در محلات صنعتی میچی و چه در شهرها و آبادی جدید رویه از یاد گذشته اند اعتصاب ها هم زیاد تر شد .

به چه علت تولید یک کارخانه بزرگ همیشه منجر به اعتصاب می شود ؟ به این علت که سرمایه داری ناچار باید به مبارزه کارگران علیه کارفرمایان منجر شود و وقتی تولید به صورت عده است این مبارزه به ناچار شکل اعتصاب به خود می گیرد . این را توضیح می دهیم :

سرمایه داری نام آن نظام اجتماعی است که در آن زمین کارخانه ها و وسایل و غیره ... متعلق به تعداد کمی از ملاکین سرمایه داران است و در حالی که توده مردم به واسطه از دستنی ساقط هستند و با دارای مایطک بسیاری می باشند و مجبورند خود را به صورت کارگر کرایه بدهند .

صاحبان زمین ها و کارخانه ها کارگران را کرایه می کنند و آن را به سائین اجناس مختلفه از چه نوع فرقی نمی کنند و می دارند . اجناسی که همه آن اراد را بازار به فروش میرساند .

* یاد آوری شویم که تنها مقاله اول (یا بخش اول مقاله) که بیشتر جنبه عام دارد در این جا منتشر شده است نباید .

در باره اعتبار این به علاوه مزدی که با کارخانه شاه کارگران می دهند به قدری است که تمام ابرام اداه يك زندگانی بخورند و بر سرای خودشان و خانواده شان کفایت می کنند. در صورتی که آنچه که کارگران مازاد بر این مقدار تولید می کنند به صورت سود به جیب کارخانه در سرازیر می شود. بنابراین در نماند سرمایه داری و توده مردم کارگران مزدور دیگران هستند و آن برای خودشان کاری نمی کنند بلکه به کارگران دستمزد و برای کارفرما کاری می کنند. همین به علت است که کارفرمایان همیشه کوشش در کم کردن دستمزد دارند و هر چه به کارگران کمتر دهند سود خودشان بیشتر است. کارگران سعی می کنند که بیشترین دستمزد ممکن را به دست بیاورند تا بتوانند برای خانواده شان غذای کافی و سالم تهیه کنند و در خانه های خوب زندگی کنند و مثل بقیه مردم لباس بپوشند نه مانند گدایان. بنابراین دائما محکمش بین کارگران و کارفرما بوسه دستمزد جریان دارد کارفرما آزاد است و کارگران را کسی به نظرش مناسب تربیاید اجیری کند و بنابراین دنبال ارزان ترین کارگری رود. کارگر هم در انتخاب کارفرمایان خود آزاد است و بنابراین دنبال کارگران ترین کسی می رود و یعنی آن کسی که بیشترین مزد را بپردازد یک کارگر چه در شهر کار کند و چه در روستا چه در راه ملاحه کارمندی و چه به یک دهقان شورتند و یا یک قطعه کارو یا صاحب کارخانه و همیشه با یک کارفرما طرف است و یا بوسه دستمزد در جیب او دارد.

ولی آیا برای یک کارگر تنها امکان دارد که به تنهایی مبارزه کند؟ تعداد افراد کارگری زیاد است و در تقاطع در حال خانه خراب شدن هستند و از به سوی شهر و کارخانه ها فراری می کنند. ملاکین و صاحبان کارخانه در حال به کارانداختن ماشین آلاتی هستند که کارگران را از تنگنایان ماشین محروم می سازد. در شهرها تعداد روزافزونی بیکار و دردها و بیخوابی از پیش آندا پیدا می شود و آن ها که گرسنه هستند باعث تکلیف بیشتر و دستمزد کمتری می شوند. برای کارگر گردیدار و فقیر ممکن می شود که به تنهایی با کارفرما مبارزه کند. اگر کارگرتانهای دستمزد مناسبی بکنند و یا به کم کردن دستمزد آنها را بکنند و در کارخانه او نخواهد رفت بیرون او خواهد خواست و اگر در کم درآمد در تعداد زیاد می گرسند و درود دارند که با خوشحالی حاضرند با دستمزد کم کار کنند.

وقتی مردم تا آن حد بیچاره شده باشند که همیشه تعداد زیادی بیکار در شهرها وجود داشته و در دست باشند و جایی که صاحبان کارخانه از ثروت ای کلان رزی هم انبساط می کنند و خرده مالکین توسط ماشینها از میدان به دور می شوند و یا کارمندان در مقابل سرمایه داران و ثلثا زمین وسی قدرت است. آن وقت برای سرمایه دار ممکن می شود که کارگر را به کلی بخورد کند و از او زن و فرزندش هم به همچنین تاحد مرده کار کرده و از یکسند مثلا اگر تالی به شاقلی بیاندازیم

که در آن ها کارگران موفق به جلب حمایت تانین از خودشان نشدند مانند نمی توانند در مقابل سرمایه داران مقاومت کنند مدت کار روزانه بی حساب و بیش از حد طولانی را که گاهی اوقات سره ۱۶ - ۱۷ ساعت می زند و سرمایه داری و کودکیان ۶ ساله را خواهم دید که در کارشان بیشتر از حد طاقت شان است و یک نسل از کارگران دائما گرسنه و اوهامیدند که به تدریج از گرسنگی می میرند و مثلا کارگرانی که در خانه خودشان برای سرمایه داران کاری می کنند. به علاوه هر کارگر می تواند تعداد زیادی از این مثال را به خاطر بیاورد! حتی در رژیم های برده داری و فئودالی هم هیچگاه ستم بدگن زحمتکشان به دستنکاری ستم دیدگی کارگران در رژیم های سرمایه داری نبود ماسته آنگاه که کارگران نتوانند از خود مقاومت نشان دهند و یا از حمایت توانمندی که اعمال خود سرانه کارفرمایان را محدود کند برخوردار شوند.

بنابراین کارگران برای این که این هدف خود را تا حدی جلو نبرند می کنند مبارزه نمیدانند و تقاضای می کنند. از آن جا که می بینند که هر که امتحان به تنهایی در مقابل سرمایه داری کاملان قدرت هستند و ستم سرمایه داری به ناپدید شدن می کند و شروع به طغیان دسته جمعی در مقابل کارفرمایان می کنند. البته ایات کارگری آغاز می شود. در ابتدا کارگران غالباً نمی دانند که چه می خواهند و چون به هدف های اعمال خودشان آگاهی ندارند. تنها ماشین را از خرد می کنند و یا کارخانه را خراب می کنند. فقط می خواهند خشم خود را به صاحب کارخانه نشان دهند و نیروی دستجمعی خود را امتحان می کنند تا بگویند که می توانند از یک وضعیت غیر قابل تحمل خارج شوند و بدون این که هنوز بفهمند چرا وضعیت شان این قدر نومیدانه است و برای چه چیزی باید تلاش کنند. در تمام کشورها خشم کارگران در تقاضای شکل طبیعی می شود و به خودی خود گرفت. پلیس و کارخانه دارهای روسیه به آن ها "شورش" می گویند. در تمام کشورها این طغیان ها منفردانه و ظرف به اهتمام های کم و بیشتر صلح آمیز از طرف دیگر به یک مبارزه همه جانبه طبقه کارگر برای آزادی خودش منجر شده است.

اهمیت اهتمام با (یا وقت در کار) برای مبارزه طبقه کارگر چیست؟ برای این که به این پرسش پاسخ بدیم باید نخست تصور کامل تری از اهتمام داشته باشیم. مزد کارگران همان آبرو که دیدیم توسط قراردادی بین کارگر و کارفرما تعیین می شود و آن تحت شرایطی کارگر منفردا کاملاً بی قدرت باشد و واضح است که کارگران باید برای خواست ماشین به طور دسته جمعی مبارزه کنند و برای جلو نبردی از این که کارفرما مزد را پایین بیاورد و یا برای به دست آوردن مزد بیشتر مجبورند اهتمام نمایی را سازمان دهند. این یک واقعیت است که در کشور سرمایه داری اهتمام کاری وجود دارد. همه

دربار امتصاب

جاء در تمام کشور ای اروپایی و در آمریکا و کارگران وقتی که متحد نمیکنند و در آن زمین احسان می کنند و فقط به صورت دسته جمعی می توانند در مقابل کارفرما مقاومت کنند و یا با امتصاب کردن می با تمام دید به امتصاب با تمام سرمایه داری و باز شدن کارخانه های بزرگ و ولع بدروز افزون سرمایه داری کوچک، توسط سرمایه داران بزرگ و نیاز به مقاومت دسته جمعی کارگران بیشتر و بیشتر می شود و اگر که بیکاری زیاد می شود و رقابت سرمایه داران و راه سعی می کنند اجناس را از راه نازل ترین قیمت تولید کنند و بیشتری شود (که به این منظوری باید به کارگران دستزد توجه کفتری بدند) و نوسانات صنعتی مخصوص نیروی کار با طمب تری شود . وقتی قیمت شرفان است و کارخانه داران سودهای کلان می برند ولی اجناس به قدر شریک کردن کارگران در سود نمی افتند . ولی با این آید بین بران سعی می کنند که سودها را به گردن کارگران بیاندازند . در واقع اروپایی لزیم احشایا در جامعه سرمایه داری تا این دست توسط ترکیبی شده که قوانین این کشور تشکیل امتصایات را وضع نمی کنند . فقط در روسیه است که قوانین و شیوه های امتصایات هنوز اعمال می شوند (در فرصت دیگری از این قوانین و موارد احتمال آن سخن ترا می آیم) .

در صورت و امتصایات انشائی از خود اهمیت جامعه سرمایه داری اند از آغاز مبارزه البته کارگر بر این نظام اجتماعی بر می دند و زور بردن سرمایه داران نوزند با کارگران منفردی نیز می نوبدگی و الحی کاران ولسی وقتی این کارگران نیز با هم متحد شدند از اج تغییر میزند هیچ ثروتی در دنیا به در سرمایه داری خود مگر این که او بتواند کارگرانی پیدا کند که حاضر باشند نیروی کار خود را بر روی وسایلی و مواد که مقابلین به سرمایه دار است سر کتند و ثروت تازه ای تولید نمایند . او وقتی که کارگران ناچارند به طور انفرادی با سرمایه داران معامله کنند همان بردگان واقعی باقی بماند و نمانده می برونند برای به دست آوردن یک قرص نان مداوم به دیگران خدمت برسانند که باید تا ابد خدمتکاران گریه شده زبان بستای باقی بمانند . ولی وقتی کارگران تقاضای این درابه صورت دسته جمعی بیان کنند و حاضر به تسلیم شدن در برابر بزرگ ان نشوند بزرگی آن ها به سر می آید و تبدیل به انسان می شوند و شروع می کنند به درخواست این که زمین آن ها نباید تقاد در دست شرفند کردن چند تن بریز باشند و باید آید آن ای را هم که زحمت می کنند قادر سازند و بشر انسان ای را حق زندگی کند کارگر شروع به پیش کشیدن تقاضای آشنیدن می کنند . تقاضای این که زندگی آن ها باید آن اندازه سرمایه داران و زمینگین برای آن در نظر گرفته اند و بلند آن طور که در شان می خواهد باشد . بنابراین امتصایات همیشه سرمایه داران را بطور از

توس می کند . چون که امتصاب آنها از زمین رفتن سروری آن است یک سرود کارگری آلمانی در مورد این کار چنین می نویسد : تمام چرخ ها از چرخش بازمی ایستند و اگر با زبان نیرومند شما آن را اراده کند . و واقعیت هم همین طور است : کارخانه ها و زمین های ملاکین و ماشین ها مخلوط راه آهن و غیره و غیره همه مانند چرخ های در یک ماشین عظیم هستند - ماشینی که مواد مختلفی را استخراج می کند و عمل می آورد و در تحویل مقصد میباشان می دهد . تمام این ماشین اتوب کارگر کار می کنند . کارگری که زمین را شخم می زند و سبزی های معدن را استخراج می کند و کالا تولید می کند و خانه کارگاه و راه آهن می سازد . وقتی کارگران از کار کردن احتیاج کنند بطور ساز ایستادن تمام ماشین می رود . هر امتصای به یاد سرمایه دار می اندازد که کارگران و نه آن ها آقایان واقعی هستند کارگر که دارند حقوق خود را با صدای می بلند تر اعلام می دارند و مطالبه می کنند . هر امتصاب به کاروان یاد آور می کند که موقعیت شان نوبه اند نیست و آنان تنم نمیکنند . بیبنید امتصایات هم نیروی خود امتصاب کنندگان و شهروند کارگران کارخانه ای چون او را در جوی و جوی و کارخانه او همان رتبه صنعتی چه تاثیر شرفی دارد . در اوقات معمولی و صلح آیم کارگر درین غرولند کارش را می کند و با کارفرما چیزی صحبت نمی کند و در مورد شرایط کارش صحبت نمی کند . در موقع امتصاب او در است ای خود را با صدای بلند اعلام می کند و تمام سوء استفاده را با کارفرما خاطر نشان می سازد و مدعی حقوق خود می شود و او دیگر فقط نگر خود میزد و خودش نیست بلکه در فکر تمام کارکنان است که همراه با او با هزاران زمین گذاشته اند و درین توس از زمین محرومی و به کارگران کارانه یا خاسته اند . هر امتصاب مترادف با محرومیت های زیادی برای توده زحمتگین است و محرومیت های و دستگیری که فقط با بدبختی های دوران جنگ قابل مقایسه هستند - خانواده ای گرسنه و از دست دادن دستزد و مطالبه توتیخ را خواهد از شهروند که خانواده کارشان است . علی رغم همه در جا و بد بختی های بیشتر می توانیم به عنوان در منابع و اهمیت شان برای کارگران خواهیم برداشت . در این جا صرفا خاطر نشان می کنیم که در طی سال های اخیر امور صنعتی در روسیه خوب پیشرفته اند . منابع در حال " توتی " بودند . لیکن اکنون (در پایان سال ۱۹۱۶) دیگر نشانده روشنی وجود دارد که این " توتی " به بحران خواهد انجامید : دشواری این که دریا زاریایی الا دیده می شود و در شکستگی کارخانه داران خانه خرابی ساخته ازان کرده یا و وندای سببشای بران کاروان (بیکاری و آشن دستزد ها و غیره) .

درباره انتصاب
 تمام این رنج ها و کارگران به آن های که همکاران و در ارتکاب
 می کنند تا با کارفرمایان قرارداد ببندند باید به حقارت مینگر
 علی رغم ما این رنج های که با انتصاب همراه است مکارتر
 کارخانه های مجاور مشاهده این که رفتارشان در مبارزه در
 گیرند مانند شهادت نوهی پیدا می کنند. " مردانی که برای خم
 کردن پشت یک بوزوا این قدر تاب می آورند قادر خواهند
 بود که قدرت تمام بوزوای را در خم بشکنند. ۳ این گفته یکی
 از آموزگاران بزرگ سوسیالیسم و انگلس در مورد انتصاب های
 کارگران انگلیسی است. غالباً کافی است که یک کارخانه
 انتصاب کند تا این که انتصاب هوا در تعداد زیادی کارخانه
 شروع شود. چقدر انتصاب تا بزرگوار کارگران تا به همگام
 و همطور آن کارگرانی را که می بینند رفتارشان چگونه دیگر سرد
 نیستند و فعلاً اگر برای مدتی هم شده به اثر و نتیجه
 برابر شده اند و متاثر می سازد. هر انتصابی اندیشه سوسیالیسم
 را به شدت در ذهن کارگران رسوخ می داند. اندیشه مبارزه
 تمام ایقه کارگری آزادی ازستم سرمایه غالباً اتفاق افتاده
 است که کارگران یک کارخانه ای یک بخش از صنعت و یا یک شهر
 قبل از وقوع یک انتصاب بزرگ تقریباً هیچ چیز در باره
 سوسیالیسم نمی دانستند و حتی به قدرت در مورد آن فکر کرده
 بودند و ولی پس از انتصاب گروه ها و دسته های مخالفه
 خیلی در میان آن ها مرسوم شده و تنداد بیشتر و بیشتری از
 کارگران به سوسیالیسم روی آورده اند.

انتصاب به کاروان می آموزد که بفهمند که قدرت کارفرمایان
 و قدرت کارگران در چه نسبت است. به آن ها می آموزد که قدرت
 درباره کارفرمایان خودشان و یا کارگران همکار خودشان فکر
 نکنند و بلکه تمام کارفرمایان تمام طبقه سرمایه دار و تمام ایقه
 کارگردار و نظر میکنند. وقتی که یک کارخانه دار کماز ثروت و قدرت
 چندین نسل از کارگران میلیون ها انباشت کرده است از
 اغراض کردن یک مبلغ جزئی بود مستمری خا افتخار می ورزد و یا
 حتی کوشش می کند که مزد کارابه یک سطح بازهم کمتری تنزل
 دهد و اگر کارگران مقاومت نشان دهند هزاران خانواده مگره
 را بهرین می ریزد و هر کارگران روشن می شود که طبقه سرمایه دار
 درکن و دشمن کل ایقه کارگرانست و کارگران تنها می توانند
 روی خودشان و عمل متحدشان حساب کنند.

غالباً اتفاق می افتد که کارخانه داران حد اکثر سعی خود
 را می کنند که خود را خیرخواه نشان دهند و کارگران را فریب دهند
 و بهره کشی خود را با وعده های دروغین و رشوه رشوه دادن
 پنهان کنند. انتصاب حواره با نشان دادن این که " خیر
 خوا" آن ها از آن در برابر میست این است این فریب را با یک
 شریعت نابودی شد.

به علاوه انتصاب چشم کارگران را نه فقط به ما میست
 سرمایه داران بلکه به ما بیت دولت و قوانین نیز بازی کند.
 همان طوره کارخانه داران سعی می کنند که خود را خیرخواه

نشان دهند و ما بهرین دولت و نوکران آن ها هم کوشش می کنند
 که کارگران را همانند دولت تزار و دولت قزاری همان طوری
 که عدالت انتفا می کند همان هر دو در فکر کارفرمایان هستند
 که کارگران. کارگردار بهراره قوانین چیزی نمی دانند و
 ما بهرین دولت هم که تماس ندارد به خصوص با آن های
 که بیست های بالاتری دارند و در نتیجه قلب همه آن ها
 را با بری کند. بعد انتصاب پیش می آید. و داستان گل

باز می کارخانه هایس و غالباً نیروهای ارکان در جلسوی
 کارخانه ظاهر می شوند. کارگران در می یابند که قانون را
 شکستند: کارفرمایان قانونا مجازند که گرد هم جمع شوند
 و طناً در مورد راه های پائین آوردن دستمزدهای کارگران
 بحث کنند ولی کارگران اگر به یک موافقت مشترک برسند
 جنایتکار محسوب می شوند اگر کارگران از خانه هایشان بیرون
 انداخته می شوند و پلیس دکان های را که کارگران می توانند
 از آن ها جنس نسبه بخرند می بندد و حتی وقتی که رفتار
 کارگران کاملاً صلح آمیز است کوشش به عمل می آید که سر باز
 را بر ضد کارگران تحریک کنند. حتی به سر باز دستور داده
 می شود که به کارگران شلیک کنند و همان وقتی که آن ها بسا
 تیراندازی از پشت به کارگران در حال فرار کارگران بدین
 اسلحه را می کشند و خود تزار مراتب هر دانی خود را به

نیرویهای نظامی می فرستد به همین ترتیب تزار از نیروهای
 نظامی که کارگران در حال انتصاب در اوسلاوی درسا
 ۱۸۶۵ گشته بودند تشکر کرد) بکم کم بر ضد کارگری روشن
 می شود که دولت تزاری بدترین دشمن آن ها است. چرا
 که از سرمایه داران دفاع می کند و دست های کارگران
 را می بندد. کارگران شروع می کنند به فهمیدن این که
 قوانین فقط برای ضایع شروطنه ان ساخته شده است که
 ما بهرین دولت از این ضایع محافظت می کنند و که همان
 توده کارگرو بسته همه او اجازه نمی دهند که احتیاجات
 خود را اعلام کند و یک ایقه کارگر باید برای خود شحق
 انتصاب کردن شحق چاپ روزنامه کارگری و شحق شرکت
 در جمع ملی را که قوانین را تصویب می کند و بر اجرای آن
 نظارت می کند به دست بیاورد. دولت خودش به خوبی

می داند که انتصاب چشم کارگران را بازی می کند و به همین دلیل
 این چنین از انتصاب می ترسد و برای این که انتصاب هر چه
 زودتر تمام شود متصل به همکاری می شود. می دلیل
 نبود که یکی از وزرای داخلی آلمان که بدناوش در برگر
 مستر سوسیالیست ها و کارگران آگاه شهرت یافته بود در
 مقابله نمایندگان ملت اظهار داشت: " در پشت هر انتصاب
 از نای انقلاب خوابیده است. " هر انتصابی این حقیقت
 را در کارگران تقویت می کند و کامل می بخشد که دولت دشمن
 آن ها است و باید که کارگرها به خود را برای مبارزه علیه دولت و
 برای حقوق مردم آماده کند. بنابراین انتصابها به

در باره اعتبار کارگران می آموزند که با هم متحد شوند به آن نشان می دهند که آن بافق و متفق شده باشند می توانند سرمایه سرایداران مبارز کنند و اعتبار کارگران می آموزند که به مبارزه تمام ابقه کارگر علیه تمام کارواند اران علیه آزادی ملی استهدادی فکر کنند به این دلیل است که سوسیالیست اعتبار را "کتب نبرد" می نامند. مکتوبه در آن کارگران می آموزند که با دشمنان برای آزادی تمام مردم تمام آن ای که زحمت می کشند و از زیر سوز ماهورین دولت سرمایه نبرد کنند.

لیکن "مکتب نبرد" نبرد نبرد نیست. وقتی که اعتبار در میان کارگران شایع است، برای از کاروان (از جمله بری از سوسیالیست تمام آنان می برنده ابقه آزادی تواند در واقعه اعتبار به اعتبار سند و اعتبار به اعتبار اعتبار اعتبار می دهد و کند که فقط با اعتبار تنها ابقه کارگری تواند بود تا به خوبی در شرایط زندگی حاصل وقتی آزادی برآوردند. وقتی که کارگران می بینند که چه قدرتی در اعتبار ابقه کارگر متحد وقتی اعتبار نامی گویا وجود دارد به خصوص باقری آنگونه که کافی است که ابقه کارگر که اعتبار خوبی در سرمایه گشود تشکیل دهد تا این که کارگران هر چه را می خواهند از سرمایه داران دولت بگیرند. این عقیده در کشور ما نیز در برهه در برهه ای که جنبش ابقه کارگر در مراحل اولیه آن بود کارگران نیز خیلی بی تجربه بودند ابراز شد بود. این عقیده اشتباه صحیح است. اعتبار یکی از راه های است که کارگران از آن در مبارزه برای آزادی خود استفاده می کنند و ولی تنها راه نیست. از کارگران تا سر راه راه این دیگر مبارزه نیز مطلوب نگردد هر چه در وقت اعتبار کارگران را ندارد. درست است که اعتبار با عنوانی به عنوان موفقیت آمیز باشد صندوق اعتبار برای تا این کارگران در اول اعتبار لازم است. این صندوق برای کارگران (صندوق صندوق های کارگران در شبه های مختلف هستند صنف و یا در یک کارخانه در تمام کشور ابرقرارد و ولی این جا در روسیه و این کار به صورت اشکال دارد چون که پلیس در آنرا بر می دارد و پول را از آن می کند و کارگران را توقیف می کند. البته کارگران می توانند از زیر پنهان کنند و البته تا این گونه صندوق ها خیلی بارز هستند و مانعی نخواهند بود کارگران نصیحت کنیم که آن مبارزات را نبینند. ولی نباید تصور شود که صندوق اعتبار تا وقتی که از راه قانونی مضع است می تواند تعداد زیادی همانند راه به خود جلب کند و تاریخی که در وقت چنین تشکیلاتی تا جویز است صندوق اعتبار خیلی مفید واقع نخواهد شد. به علاوه وقتی در کشور این راه اندامید این کارگری ملتی وجود دارد و مخالف اکثری در آن تیارشان است ابقه کارگر خود می تواند مبارزه خود را به اعتبار محدود کند. فقط لازم است که کمی رکود در او ایجاد می شود تا بعد از یک بحران مانند آنچه که در روسیه نزدیک می شود تا این که کارخانه داران وقتی به او برسد و ایجاد اعتبار کنند چون

به نفع آن است که برای مدت کار تمام اهل کنند و وجود صندوق کارگران را به آخر برسانند. بنابراین کارگران تحت همین شرایط نمی توانند خود را به عملیات اعتباری و اجتماعات اعتباری محدود کنند. دوم این که اعتبار فقط وقتی می تواند موفقیت آمیز باشد که کارگران به اندازه کافی آگاهی ابقاتی داشته باشند و وقتی که کارگران بتوانند زمان مناسب برای اعتبار کردن را انتخاب کنند و وقتی که آنها می توانند تقاضای خود را مطرح کنند و وقتی که با سوسیالیست ها تماس داشته باشند و بتوانند از طریق آن ها اعلامیه و جزوات جدیدت بیاورند. هنوز تعداد چنین کارگرانی در روسیه خیلی کم است و برای زیاد کردن تعداد چنین کارگرانی و برای شناساندن آنان ابقه کارگر به خود می کارگروانشان کردن آنان با سوسیالیست مبارزه طبقه کارگر باید هر تلاشی به عمل آید. این وظیفه ای است که سوسیالیست ها و کارگران آگاه باید انجام آن را مشترکاً و با ایجاد حزب سوسیالیستی ابقه کارگر برای این منظور برعهده گیرند. سوم این که اعتبار همان طور که دیدیم به کارگران نشان می دهد که دولت دشمن آن است و مبارزه باید علیه دولت انجام شود. در واقع اعتبار استند که کمک به ابقه کارگر تمام کشور را آموخته اند که برای حقوق کارگران و به هر گلی حقوق ملت علیه دولت مبارز کنند. همان طور که تقسیم و تقاضای حزب سوسیالیستی طبقه کارگری می تواند این مبارزه را با ترویج مفاهیم درست دولت و آزادی ابقه کارگر انجام دهد. در فرست دیگری تمام ارجح به این که چگونه اعتبار در روسیه بر روی می شوند و چگونه کارگران آگاه باید از آن استفاده کنند بحث خواهیم کرد. این بافق لازم است اشاره کنیم که اعتبار همان طور که تقسیم یک "مکتب نبرد" هستند و خود نبرد که اعتبار بافق و وسیله مبارزه و فقط یک جنبه جنبش طبقه کارگر هستند. کارگران باید از اعتبار ای تک افتاده فراتر رفته و همان طور که در تمام کشور اعلا می کنند به مبارزه در راه تمام ابقه کارگری آزادی تمام کسانی که زحمت می کشند پی بوندند. هنگامی که تمام کارگران آگاه سوسیالیست شوند یعنی هنگامی که آن برای این آزادی مبارزه کنند و هنگامی که آن در سرمایه گشود برای انتشار سوسیالیسم در میان کارگران آموختن تمام روزی مبارزه علیه دشمنان متحد شوند و هنگامی که آن ایک حزب سوسیالیستی کارگری ایجاد کنند که برای آزادی تمام مردم از دست دولت و آزادی تمام کارگران از زیر یوغ سرمایه مبارزه کنیم و تمام ابقه کارگر جزو اساسی آن جنبش عظیم کارگری تمام کشور خواهد شد که تمام کارگران را متحد می کند و هر چه سوز را بر می افروزد که بر آن این کلمات نوشته شده است:

"کسارگران تمام کشور ساخته خواهد شد"